

چشمه سلیمانیه فین کاشان

دیاثر جاودانی داریوش شاهی بزرگ هخامنشی

حسن نراقی

از جمله مآخذ تاریخی که بوضع و موقع ممتاز چشمه فین اشاره نموده کتاب تذکره هفت اقلیم است که در پایان هزاره اول هجری در بیان رسوم و عادات مردم کاشان و سیرگل فین گفته است:

«هفته‌ای سه روز را صرف سیر و صحبت نموده بساط نشاط را بقدم انبساط می‌پسند و در سالی دوسیر مشخص دارند. اول در فصل ربیع که از پیرو جوان اعلی و ادنی قریب یکماه برکنار سبزه و صحرا خیمه اقامت برپا میکنند و صحبت میدارند و دیگر سیر گل فین است. و در فین چشمه‌ایست عظیم که از یک سنگ برمی‌آید چنانکه سیاحان جهان مثل آن چشمه کمتر نشان داده‌اند و اکثر زراعت و باغات کاشان بر این است»^۱.

و در کتاب تاریخ روضة المعقای ناصری نیز چنین آمده است: «در قریه فین که در یک فرسنگی شهر است و در آن چشمه‌ایست عظیم که از یک سنگ بیرون می‌آید و چهل آسیا بر آن دایر است و سیاحان ربع مسکون مثل آن چشمه کمتر دیده‌اند و مدار زراعت کاشان بر آن آب دایر است»^۲.

۱ - ص ۷۷ تاریخ قم تألیف حسن بن عبدالکریم به تصحیح سیدجلال‌الدین تهرانی.

۲ - ص ۶۶۴ ج ۱ دیوان ملک‌الشعرا بهار.

۳ - ص ۴۴ ج ۲ تذکره هفت اقلیم احمد امین رازی به تصحیح جواد فاضل.

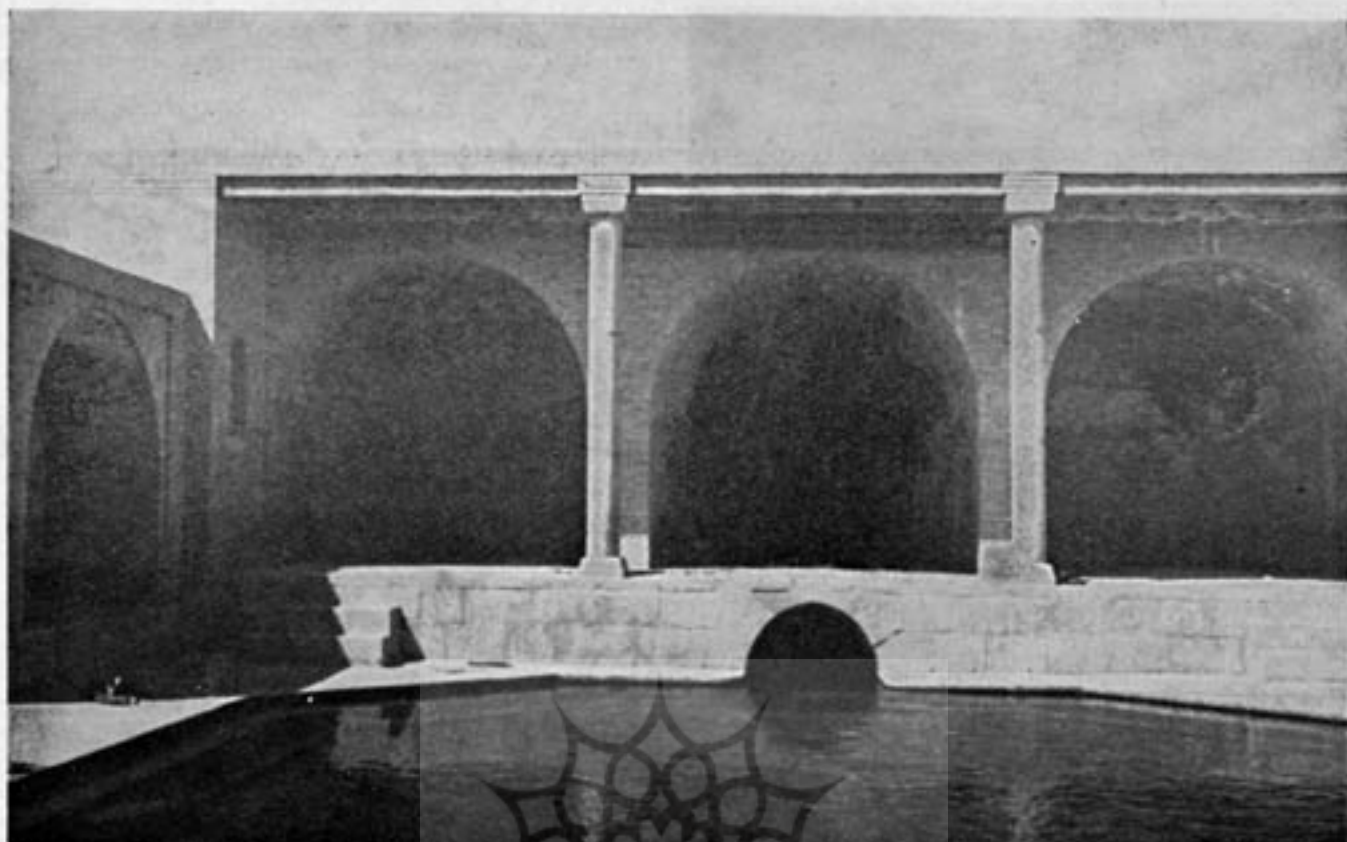
۴ - ص ۱۴۷ ج ۸ تاریخ روضة الصغای ناصری.

(فین: آنرا بشتاب بنا کرده و در آن وقت که با رجاسف ملك ترك کارزار کرد و کارهای آن دیه را با شارت جم ملك بیرون آورده‌اند و بسیار آب‌اند و این دیه از قاسان اصفهان است).

از تاریخ قم تألیف سال ۳۷۸ هجری^۱

سرچشمه فین بین که در آن آب روانست
نه آب روانست که جانست و روانست
گوئی بشر موج زند گوهر سیال
یا آنکه بهر جسدول سیماب روانست
آن آب قوی بین که بجوشد زتک حوض
گوئی که مگر روح زمین در غلیانست
ملك الشعراء بهار^۲

چشمه آب شفاف و جویبار شاداب قصبه سرسبز و زیبای فین واقع در شش کیلومتری مغرب کاشان در نوع خود کم‌نظیر و از جمله شاهکارهای دلفریب طبیعت بشمار میرود. و بشرحی که اینک بنظر خوانندگان گرامی میرسد این چشمه دل‌افروز اثر زنده و جاودانی است از داریوش کبیر که در طی دوهزار و پانصدسال بطور دائم جریان داشته و بدون آنکه تنقیه و مرمت و لارویی در آن بعمل آمده باشد، همواره مایه زیست و زندگانی توده‌های انبوهی از مردم آن دیار بوده چنانکه از فیض فناپذیرش شهرستانی بزرگ با وجود تحمل گرفتاری و ناهنجاری‌های سترک تاکنون معمور و آبادان باقی مانده است.



سرچشمه آب فین، حفره وسیع زیر وسط این بنا نخستین مظهر آب چشمه سلیمانیه است

چشمه فین را مدلل ساخته و بلکه میتوان گفت برتری منحصر
 یفردی را بدان بخشیده است همان متن اطلاعیه سودمند و
 صریح کتاب تاریخ قم میباشد که در آغاز مقاله نگاشته و آن
 یکی از کهن‌ترین مأخذ معتبر ایرانی بشمار میرود که از گرد
 حوادث مضمون مانده تا بدست ما رسیده است. و نیز سهیل
 ضرابی در کتاب مرآت قاسان پس از نقل روایت مذکور را
 از آن کتاب او از خود می‌افزاید:

«ودرالسنه عوام دراین زمان معروف به چشمه سلیمانی
 است الله اعلم که از شاه سلیمان صفوی باشد و یا از جمشید
 که او را سلیمان خوانند مثل تخت جمشید فارس که تخت
 سلیمان می‌باشند.»

واینک سخنی چند درباره شناسائی و تطبیق اشخاص

۵ - دیوان اشعار میرزا احمد ادیب نسخه خطی نگارنده .
 ۶ - ص ۷۲ کتاب مرآت قاسان که بنام تاریخ کاشان تجدید
 چاپ شده است .

های بی‌مانند این چشمه داد سخن داده‌اند به ایباتی چند از
 گفته های ادیب شیبانی که در یکی از چکامه‌های متعدد او
 به برخی از خصوصیات این آب اشاره نموده اکتفا میشود:

بود در چشمه فینت زلال زندگی جاری
 بود چون سیم اندروی عیان هر دانه حسابا
 زلالش را بخاصیت صفای چشمه کوثر
 نهالش را به نیکوئی طراز قامت طوبی
 شناور اندر آن چشمه همه خوبان مه‌بیکر
 چو سباحان انجم در سواد گنبد مینا
 نمود آن چشمه روشن چو چرخ اندر زمین مسکن
 بود همراهی اندر وی بسان گوکبی پیدا
 بیارد ابر آزاری بروید لاله گلگون
 یکی چون دیده و امق یکی چون عارض عذرا
 زآبت عاریت برده حلاوت چشمه زمزم
 زخاکت مقتبس دارد طراوت عرصه بطحا
 واما آنچه اصالت کم نظیر و واقعیت تاریخی داستان

تاریخی نامبرده در کتاب مورد بحث .

بشناس . نام این شخصیت داستانی در کتیبه بیستون و تاریخ هردوت یونانی (ویشناس) ولی در شاهنامه فردوسی (گشتاسب) آمده است . بنا بر عقیده نویسندگان و مورخین قدیم ایران این همان پادشاه داستانی ایران زمین از سلسله کیانی است که فردوسی شرح کارزارهای دامنه دار او را با ارجاسب پادشاه داستانی توران بر سر آئین زردشت در کتاب شاهنامه به تفصیل آورده و از آثار مهم او آتشکده های بسیاری گفته شده که در ایران بنیاد نهاده و بهترین آنها هم آتشکده پارس و آذربایگان بوده است^۲

ولیکن طبق مدارک معتبر تاریخی و تحقیقات دقیق باستان شناسی اکنون محقق گشته که (بشناس) همان ویشناس پدر داریوش اول بوده است و محض کوتاه کردن سخن در این باره بذکر نخستین لوحه سنگنبشته بیستون اکتفا میشود که در آنجا داریوش نسب خود را بدینگونه معرفی میکند :

«داریوش شاه گوید : پدر من ویشناس بود .»^۳

و اما (جم ملک) که در متن تاریخ قم گفته شده کاریزهای فین را باشارت او بیرون آورده اند و همچنین سلیمان آیا با کدام شخصیت های واقعی تاریخ تطبیق میکنند؟ بعقیده محققین علم تاریخ (جم یا جمشید) نامبرده در مآخذ تاریخی قدیم ایران که بزرگتر و نام آورترین پادشاه سلسله پیشدادی شناخته شده و تازیان او را حضرت سلیمان نبی دانسته اند همانا داریوش کبیر شاهنشاه عظیم الشان سلسله هخامنشی بوده است و برهان قاطع این بیان آنستکه کلیه آثار مربوط به داریوش اول در ایران از دوزان گذشته تا بحال همگی بنام جمشید یا سلیمان یا بهردو نام خوانده و شناخته میشود .

توضیح این بیان آن که بگفته لغت نامه دهخدا : «سکه علوم الزم» پس از حمله عرب و استقرار اسلام در ایران داستانهایی ملی ما با قصه های سامیان آمیخته شد . پادشاهان و ناموران ایران با پیمبران و شاهان بنی اسرائیل رابطه یافتند . از آنجمله زردشت را با ابراهیم و جمشید را با سلیمان مشتبہ ساختند و ایرانیان مرکز جمشید داستانی را کشور فارس میدانستند و آثار باقی مانده داریوش و خشایارشا و دیگر پادشاهان هخامنشی را به جم (جمشید) انتساب داده اند و نام تخت جمشید خود حاکی از آنست . و در اساطیر سامی نیز سلیمان دیوان را در خدمت داشت و در بنای بیت المقدس آنان را بکار گماشت . از این رو در قرنه های اسلامی این دو تن یکی بشمار آمدند .

فارس را تخت گاه سلیمان و پادشاهان فارس را قائم مقام سلیمان و وارث ملک سلیمان خواندند و حتی آرامگاه کورش بزرگ مؤسس سلسله هخامنشی را مشهد سلیمان نامیدند^۴ .

بگفته مورخین یونانی از خصوصیات بارز داریوش اول عشق و علاقه کامل او به آبادانی و اهتمام برای احداث کشتزارها و بستنها بوده اعم از آنکه مستقیماً بامر اقدام وی ایجاد گردد و یا از راه تشویق و راهنمایی بوسیله بخشیدن امتیازات خاصه ای بدانها انجام پذیرد . بدینسان بود که در بسیاری از مراکز اجتماع و نقاط دیگر کشور از نظر آبیاری و کشاورزی و مخصوصاً جهت احداث باغهای بزرگ و دلگشائی که (پردیس) نامیده میشد اقدام بحفر قنات می نمود^۱ .

چنانکه برای آب مصرفی کاخهای تخت جمشید و دیگر آثار و ابنیه نوبنیاد که نیازمند آب فراوانی بوده بدون شک منابع آب کافی هم تأمین و فراهم ساخته بودند . هر چند که از کیفیت واقعی آن بجز پیدا شدن چاه سنگی در دامنه کوه رحمت و استخر بزرگ محوطه جنوبی بیرون صفا تخت جمشید آگاهی گویائی از چگونگی منابع و مجاری اختصاصی آبرسانی به بناهای تخت جمشید بطور وضوح آشکار نشده است^{۱۱} . ولی بهرحال بدیهی است که آنهمه ابنیه با عظمت و مجلل و با وجود آمدوشد زیاد برای مصارف جاری خود نیازمند آب سرشار و پاکیزه ای میباشد که همه جا و هر لحظه در دسترس باشد تا آنکه مورد استفاده ساکنین قرار بگیرد . داریوش بزرگ حتی در سفرهای جنگی و کشورهای مفتوحه نیز با این روش پسندیده خویش آبادیها نموده و آثار جاویدی از خود باقی نهاده است . چنانکه در سفر کشور گشائی او بمصر مینویستد :

«داریوش در مصر ترتیب آبیاری ایران را بوسیله کاریزها به مصریها آموخت .»^{۱۲}

و اما توضیح لازم درباره جمله اخیر اطلاعیه تاریخ قم

راجع به فین که مینویسد :

«فین از آن قاسان اصفهان است» آنکه :

پس از استیلای تازیان بر ایران تا اواسط سده دوم هجری شهرستانهای قم و کاشان تابع امیرنشین اصفهان بشمار میرفت تا زمان خلافت هارون الرشید عباسی که حوزه قم از اصفهان جدا گشته باصطلاح آن زمان دارای منبر شد یعنی حاکم نشین مستقلی گردید . نواحی شمالی و گرمسیرات کاشان تا قریه را وندرا نیز تابع و جزء قم آوردند و لکن شهر

- ۷ - ص ۳۹ - ۴۲ فارسی نامه ابن بلخی و ص ۳۵ ج ۱ کتاب نامه خسروان .
- ۸ - ص ۳۳۴ کتاب اقلیم پارس تألیف آقا سید محمد تقی مصطفوی .
- ۹ - ص ۸۷ ش ۹۶ لغت نامه دهخدا در ذیل کلمه جم .
- ۱۰ - ص ۱۵۰۴ ج ۲ کتاب ایران باستان .
- ۱۱ - ص ۳۰ و ۲۰۸ اقلیم پارس .
- ۱۲ - ص ۵۶۷ ج ۱ ایران باستان .

کاشان و حدود جنوبی و بخشی از کوهستانهای غربی آن همچنان تابع اصفهان باقی ماند و از جمله قصبه فین بود. از این رو در کتاب محاسن اصفهان مافروخی نیز اطلاعات پراکنده‌ای درباره قراء و دهات کاشان که تابع اصفهان بوده مذکور گردیده است.

توضیح دیگر آنکه چون در متن کتاب تاریخ قم (کاریزهای فین) با لفظ جمع آورده شده بدانجهت میباشد که علاوه بر چشمه سلیمانیه در سمت جنوب آن چشمه دیگری نیز بنام چشمه آب سفیداب واقع گشته که از نظر وضع کلی و شرایط عمومی و کیفیت و مجرای و مظهر آب همانند چشمه سلیمانیه است مگر آنکه مقدار آب چشمه سفیداب کمتر است و از این حیث قابل مقایسه با یکدیگر نیستند ولیکن آثار و علائم محوطه داخلی مجرای زیرزمین و مظهر آن و قشرهای رسوبی آب در سقف و جدارها که بایک نوع پوشش سنگ مانند تمام اطراف محوطه را فرا گرفته بخوبی نشان میدهد که در قرون متمادی گذشته آب این چشمه زیاده‌تر بوده و معلوم نیست بر اثر چه نوع عواملی بمقدار گزینی کاهش یافته است.

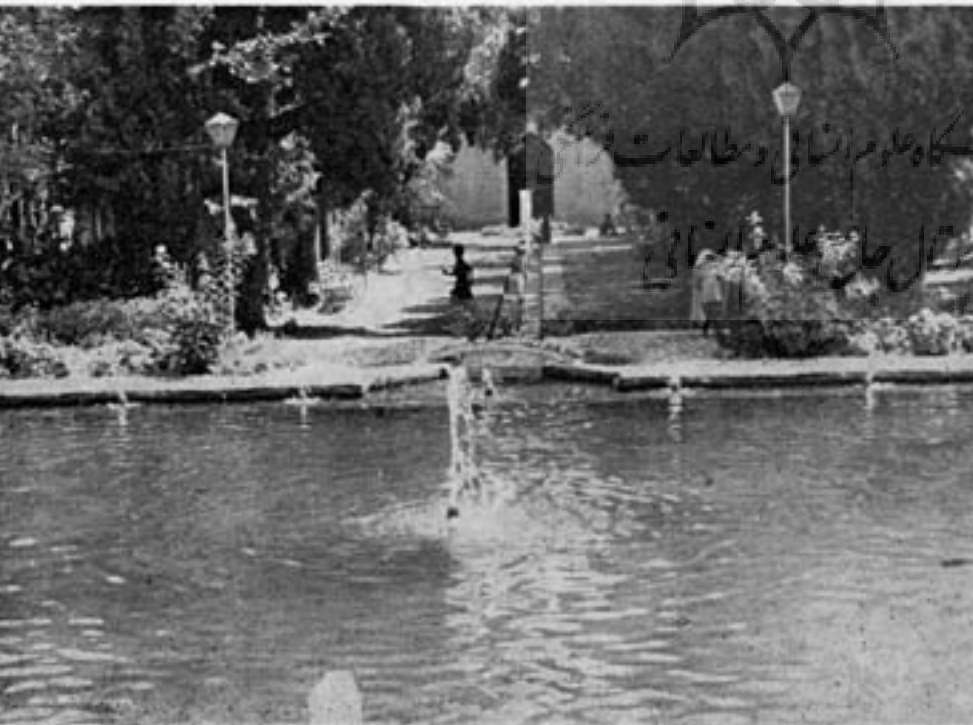
کتاب (ترجمه محاسن اصفهان تألیف اواسط سده پنجم هجری) در وصف چشمه سفیداب مینویسد: «وبدیه ابروز کاشان، کاریزی هست (اسفذاب) نام مشرب اهل آن دبه و صحراها و دبه‌های چند که در حوالی واقع است از آنت و بدیه بین (فین) غایش میشود، خاصیت او آنت کشخص را امکان مسیر و قدرت رفتن در آن تا بجائی میرسد که نزد اهل آن ناحیت معروفست که اگر چنانکه میخواهد که از آنجا بگذرد از غلبه نفس زدن در رفتن عاجز می‌آید و اگر نه بیای پس مراجعت میکند بطریق قهری بی‌قرار میگردد و می‌افتد و هرگز در مدت استحداث آن یکدم بعمارت آن کاریز خرج نکرده‌اند و کومش (مقنی و کاریزکن) مباشر آن و مرمت نشده و اگر از جوانب آن چیزی رهیده شود اگر اندکست و اگر بسیار آب آن روی بزیادتی می‌نهد. و عمروبن‌اللیث بوقت آمدن باصفهان آنرا برسبیل امتحان بنیاشت = و روزها اهل روستاها را جمع کرد جهت طعم و طمسی چندانکه انباشته زیادت میشد آب افزون‌تر می‌گشت و گل را بر بالای می‌انداخت، بعاقبت عاجز شد و بجای گذاشت و از استاد ابونصر پنجابادی شنیده‌ام که گفت در

راست : قسمتی از بدنه و باروی قدیمی فین

چپ : نمای جدول خیابان و حوض بزرگ وسط باغشاه با فواره‌های افشان آب فین که ملك الشعرا بهار وصف آنها را گوید :

چون موی پریشان برخ سبیرانت

و آن آب روان از بر فواره پریشان



حکایت آمده است که هیچ عرب از آن کاریز شربتی آب نجشید الا که مبتلی شد بیلای حادثه در نفس یا مال و من در قبول این متردد بودم و در خاطر جای قرار نمیدادم تا پس از استقصاء تأمل در بیشتر دیه هائی که بر دوجانب این کاریز متبنی بود تتبع کردم قطعاً در آن حدود آشیانه هیچ عرب ندیدم و نشنیدم، و شنیده‌ام که اگر عرب در سفر از تشنگی بر شرف هلاک نشیند جرعه‌ای از آن آب نجشد مگر جاهل بدین حکم یا غافل.^{۱۳}

و اینک مقتضی است که سابقه تاریخی و چگونگی تحولات گذشته چشمه فین از دیدگاه باستان‌شناسی نیز که متکی به شواهد علمی و عینی می‌باشد بطور اجمال بررسی و سنجیده شود.

نخستین محل سرچشمه و ظاهر شدن آب فین شامل استخر بزرگ و گشاده‌ایست که در دوره‌های گذشته همواره مورد استفاده عمومی مردها بود و بنام (چشمه مردانه) گفته و شناخته میشد. و بلافاصله در جنب آن نیز جویبار گشاده‌ای بود که چون اختصاص به آب‌تنی و آمدررفت بانوان داشت (چشمه زنانه) نامیده میشد و اطراف آن را نیز با دیواری محصور ساخته بودند ولی اکنون راه آمدوشد آن از خارج بسته شده و در محدوده باغ شاه واقع شده است.

برای بررسی‌ها و تحقیقات دانشمندان باستان‌شناسی که از نتایج کاوشهای علمی و فنی در تپه‌های سیلک نزدیک و زبردست چشمه فین بعمل آورده‌اند محقق و آشکار شده است که قدیم‌ترین محل سکونت بشری که در دست ساخته شده تپه‌های سیلک نزدیک بکاشان بوده است.^{۱۴}

و حتی آنکه ثابت شده سیلک تنها نقطه‌ایست در نجد که پیش از عهد هخامنشی مدرک کتبی بدست داده است.^{۱۵}

بدینسان که پس از خشک شدن دریاچه مرکزی ایران زمین سکنه پیش از تاریخ که ناگزیر دشت‌های خشک و بایر را ترک کرده‌اند حوالی چشمه‌های آب خیز این نواحی را جهت سکونت خویش برگزیده و ساختمانهای تپه شمالی سیلک را بوجود آوردند اینستکه هزاران سال پیش از تشکیل اولین شهر در سرزمین ایران مردمی در کنار چشمه‌های پراکنده این حدود زندگی میکردند.^{۱۶}

از مجموعه آثار و علائم مکشوفه در تپه‌های سیلک که حاکی از حوادث طبیعی و اجتماعی چندی در طول زمانی بالغ بر هفت هزار سال میباشد معلوم میگردد که هر بار پس از ویرانی‌های متوالی که مدتی دراز غیر مسکون افتاده بر اثر وجود این چشمه‌های آب دوباره مسکون گردیده است ولی آخرین بار (مصادف با اوایل هزاره اول پیش از میلاد) همگی بناها و سکنه آنها در زیر توده‌های خاکستری که از آتش‌سوزی بزرگی بدست مهاجمین بعمل آمده یکبارہ مدفون

و نابود گشته بطوریکه دیگر اثری از آبادی در آنجا نمانده بود، تا آنکه اواسط هزاره اول پیش از میلاد مصادف با دوره شاهنشاهی پادشاهان هخامنشی محل و مکان کنونی قصبه فین که در دو کیلومتری شمال غربی تپه‌های سیلک واقع شده طبق مدلول و متن تاریخ قم بامر ویشاسب پدر داریوش اول بنیان‌گذاری شده و سپس نیز داریوش فرزند نام‌آور وی امر به جمع‌آوری چشمه‌های آب‌خیز کوچک و پراکنده اطراف تپه‌های سیلک را داده است و همچنین منشاء اصلی آب را بهمان نسبت بالاتر در مجرا و استخری بزرگ و وسیع جاری ساختند. و از همان اوان نیز در حدود این چشمه شفاف و تماشائی باغ و بستان و کاشانه‌های بلند پایه شاهانه برپانمودند تا هنگام آمد و رفت‌های پادشاهان و بزرگان در آنحدود مورد استفاده قرار بگیرد. و بدین لحاظ برخی از نویسندگان بر آنند که نام کاشان نیز ماخوذ از (کی آشیان) یعنی همان آشیانه‌های شاهانه اولیه میباشد که در کنار چشمه فین برافراشته شده بود.

سپس در جریان حوادث و گیرودارهای گوناگون قرنهای بعد دستخوش دگرگونی‌ها شده تا آنکه بر اثر زلزله سهمگین سال ۹۷۲ که کانون اصلی آن قصبه فین بود جملگی ابنیه و عمارات دولتی آنجا هم مانند کلیه مساکن عمومی و بناهای آن آبادی بکلی منهدم و ویران شده.^{۱۷} پس از سالی چند در اوایل هزاره دوم هجری هنگامیکه شاه عباس اول شاهنشاه بزرگ صفوی با طرحهای وسیعی جهت آبادانی کاشان و بهبود صنایع و توسعه آبیاری و ایجاد ابنیه دولتی آنجا دست بکار شد از جمله طرح نویسی هم برای تجدید بناهای باغشاه فین افکند و باغشاه کنونی و بنای شترگلوی وسط آن را قریب پانصد متر در سمت مغرب باغشاه مخروبه کهنه بنا نهاد و سرچشمه آب سلیمانیه را هم بهمان نسبت بالاتر انداخته بوضع و صورتی در آوردند که تاکنون باقی و برجای مانده است و شرح و تفصیل آن در برخی از مآخذ تاریخی و سفرنامه‌ها و مجلات بکم‌وبیش مذکور شده است.

* * *

اکنون که منشاء و منزلت تاریخی چشمه فین تا حدی دستگیر خوانندگان گرامی گردید و هم بوضوح پیوست که

۱۳ - ص ۳۸ ترجمه محاسن اصفهان تألیف مافروغی معاصر سلطان ملکشاه سلجوقی.

۱۴ - ص ۲۹ تاریخ ایران از آغاز تا اسلام تألیف دکتر گیرشمان ترجمه دکتر معین.

۱۵ - ص ۳۲ همان مأخذ.

۱۶ - ص ۲۷ - ۲۸ صنایع و تمدن مردم قلات ایران پیش از تاریخ.

۱۷ - ص ۱۹ تاریخ اجتماعی کاشان تألیف نگارنده مقاله.



بقایای یکی از برج‌های قدیمی قصبه فین

این چشمه فیاض بدون شك و شبهه اثر جاودانی داریوش کبیر شاهنشاه بزرگ هخامنشی است که در طول ۲۵۰۰ سال بدون زحمت و زیان و هزینه‌ای برای بهره‌مندانش همواره پایدار و منبع سودآوری بوده است لازم است به پاره‌ای از خصوصیات دیگرش اشاره‌ای بشود. آب فین که در طی قرون و اعصار متمادی با کم‌و کیفی ثابت جریان داشته است بگفته کارشناسان قرن گذشته بهره‌روانهای را که نصیب بهره‌مندانش ساخته با ارزیابی یکمدهسال پیش برابر با یکهزار متقال (یا پنج کیلوگرم) ملای ناب بوده است^{۱۸}.

و بدین مقیاس ملاحظه میشود که بهره‌مستمر دو هزار و پانصد ساله چشمه فین بالغ بر ۴۵۶۲ تن و نیم ملای ناب میگردد.

و همچنین از جهات معنوی و جلب توجه پادشاهان و بزرگان و از نظر جهانگردی نیز ارج و ارزش زیادی را دربرداشته است.

در ایام گذشته که وسائل آزمایش‌های علمی مانند امروز فراهم نبود در افواها عامه چنین جاری شده بود که صافی و پاکی آینه مانند آب فین بواسطه مواد جیوه‌ایست که یا آن آلوده و مخلوط میباشد. از اینجهت برای بیماریهای جلدی و مزاجی بی نهایت سودمند و مؤثر میباشد. و چون درجه حرارت طبیعی آن حتی در زمستان هم برای استحمام کافی بود از این رو در تمام اوقات سال و هر ساعت از شب و روز سکنه شهر و روستاها بدانجا میشتافتند. این شهرت درمانی آن حتی سیاحان بیگانه را متوجه خود ساخته بوده از آنجمله اوژن فلاندن فرانسوی در این باره مینویسد:

«اهالی محل درباره این آب (چشمه سلیمانیه فین)

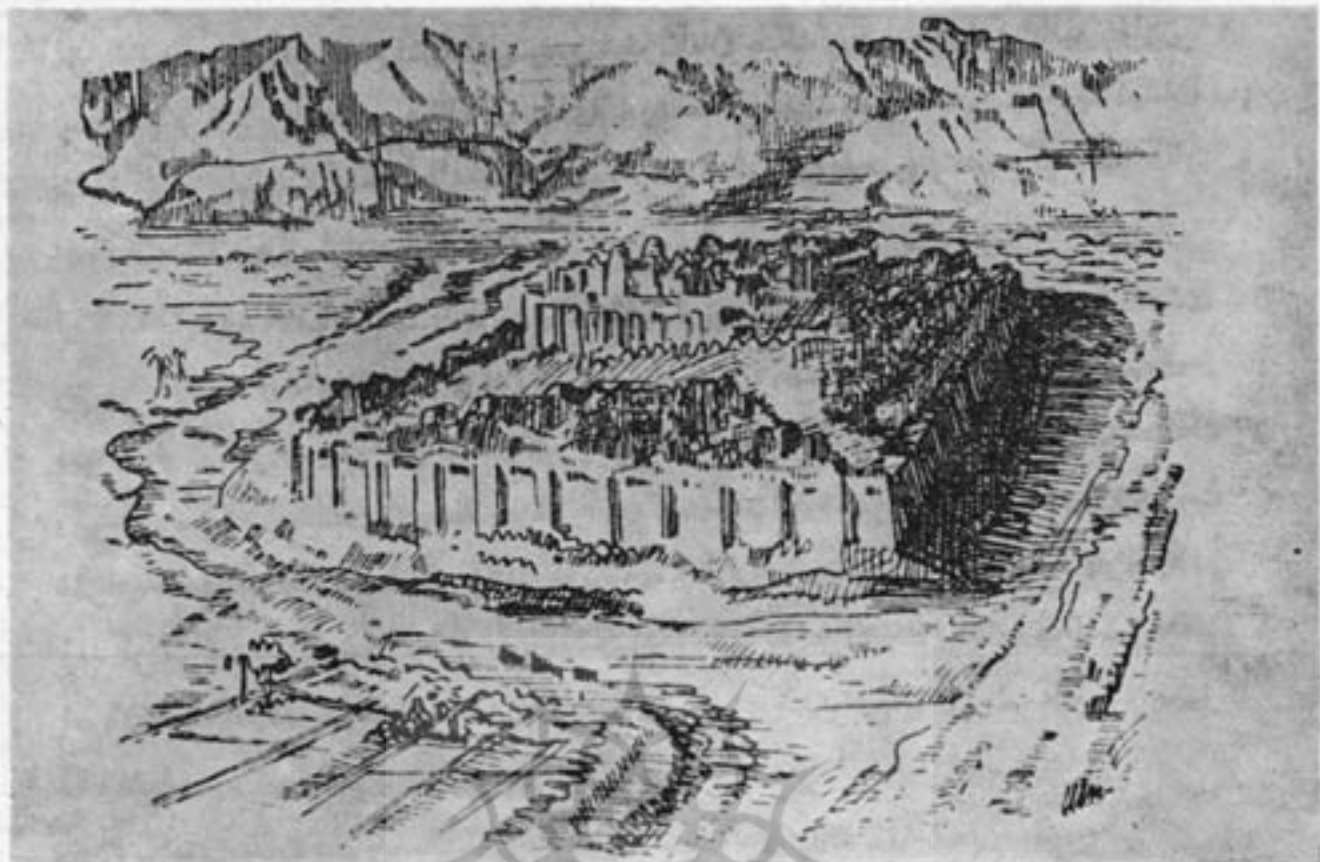
عقاید موهوم دارند و میگویند خاصیت طبی دارد لیکن من نتوانستم حقیقتش را دریابم»^{۱۹}.

شهرت درمانی و خواص این آب که در طول هزاران سال ادامه یافته بود عاقبت بر اثر آزمایش‌های علمی که از آن و همچنین از آب‌های مخازن لوله‌کشی شهر کاشان در آزمایشگاه آب‌شناسی دانشگاه تهران بعمل آمد بدینگونه اعلام گردید:

«آب چشمه سلیمانی در ردیف آبهای معدنی کلرو بیکریناته و سولفات کلسیک معتدل است که در حدود یک گرم در لیتر باقیمانده خشک دارد. همانطور که ملاحظه میشود مقدار کلرورها و سولفاتها و باقیمانده خشک آب لوله‌کاشان بیشتر است. بنظر میرسد که گاز کربنیک آب چشمه سلیمانی در جریان مسیر شتر گلو (در باغشاه) متصاعد شده باشد. اهمیت آب چشمه سلیمانی از نظر جهانگردی بیشتر از استفاده درمانی آن است»^{۲۰}.

از جمله آثار تاریخی دیگر داریوش بزرگ در حدود کاشان اکتشاف معدن لاجورد در کوهستانهای قمصر و استخراج





طرحی از دوران آبادانی سیلک که کاوشگران بست آورده‌اند

شاهنشاه عالیقدر و بلندپایه هخامنشی بوده که به نیروی خرد و بینش خداداد و راهنمایی نبوغ ذاتی و دادودهش خویش ملت و سرزمین ایران و کشورهای مفتوحه را در کلیه مبانی و شئون زندگانی و نیازمندیهای اجتماعی باوج ترقی و عظمت رسانید و بگفته فردوسی طوسی در کتاب شاهنامه که همهجا داریوش کبیر را بنام جم و جمشید می‌ستاید .

کمر بست با فسر شاهنشاهی جهان سربسزگشته اورا رهی

و بکار بردن آن در صنایع محلی بوده است . چنانکه مؤلف کتاب عرایس الجواهر (تالیف سال ۷۰۰ هجری) در وصف آن مینویسد :

« ششم . سنگ لاجورد است که باصطلاح صنایع (سلیمانی) گویند . معدن او برقریه قمصر است در کوههای ظاهر کاشان و به زعم ایشان از مستخرجات سلیمان النبی است علیه السلام و آن مانند قره طلعم درخشنده بود در غلاف سنگی سیاه که از ولون لاجورد آید مثل آبگینه و غیره .»
و همچنین در مورد دیگر آن کتاب نیز لاجورد معدنی

کوههای قمصر کاشان (سنگ سلیمانی)^{۱۱} نامیده شده است .

از مفاد و مفهوم گفتار فوق هویداست که (سلیمان نبی علیه السلام) آن پیمبر بنی اسرائیل در میان قوم و قبیله جنجال طلب خود آقندر کار و گرفتاری داشت که مجالی برای او باقی نگذارد تا بخاطر توسعه و ترقی صنایع ظرفیه ایرانیان زردشتی مذهب اقدام بکاوش و کشف و استخراج معدن لاجورد هزاران سال در دل کوههای قمصر نهفته است بعمل آورد . بلکه کاشف معدن لاجورد درایوش بزرگ

۱۸ - ص ۷۹ - ۸۰ مرآت قاسان که بنام تاریخ کاشان تجدید

چاپ شده .

۱۹ - ص ۱۰۸ ترجمه فارسی سفرنامه اوژن فلاندن نقاش آثار

باستانی و عضو هیئت سیاسی فرانسه در سال ۱۸۳۹ میلادی در ایران

۲۰ - جدول تفصیلی از مواد ترکیبی و رسوبی آبهای نامبرده

در این مآخذ آمده ص ۲۵ - ۳۲۴ سال هفتم مجله طب عمومی و ص

۵۷ - ۵۸ کتاب آثار تاریخی کاشان و نظیر تالیف نگارنده .

۲۱ - ص ۳۳۹ خانه کتاب عرایس الجواهر و غایب الاطالاب

ابوالقاسم عبدالله کاشانی شماره ۵۳ انتشارات انجمن آثار ملی .